

تاریخ علم، دوره ۱۱، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۲، ص ۱۲۳-۱۳۸

### شکارنامه ملکشاهی و اهمیت آن در تدوین تاریخ علم

امین مجلی‌زاده\*

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، اصفهان، ایران

aminmojalle@gmail.com

دکتر مهدی نوریان

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، اصفهان، ایران

mnourian@gmail.com

دکتر جمشید مظاهری

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، اصفهان، ایران

mazaheri@gmail.com

(دریافت: ۱۳۹۳/۰۷/۳۰، پذیرش: ۱۳۹۳/۰۹/۲۶)

#### چکیده

شکارنامه ملکشاهی یا خسروی کتابی است که در سده ۵/ق ۱۱م به دستور ملکشاه سلجوقی و سعی خواجه نظام الملک و به دست خواجه ابوالحسن علی بن محمد نیشابوری براساس چندین بازنامه و شکارنامه و به خصوص ترجمه شکارنامه انوشیروانی و مشورت با استادان عهد سلجوقی تألیف شده است. این رساله حاوی یک دیباچه درباب تاریخ بازنامه‌نویسی در ایران تا سده پنجم و دو بخش در تربیت و معالجه پرندگان و دوندگان شکاری می‌باشد. متأسفانه این رساله که یکی از مهم‌ترین منابع تاریخ علم دوران سلجوقیان است به دلیل فقدان نسخ تاکنون معرفی و تصحیح نشده است. نگارندگان در این پژوهش سعی دارند تا با بررسی جوانب مختلف این اثر، سه نسخه از آن را، که به دلیل اشتباه فهرست‌نویسی در کتب کتابخانه‌های ایران بدون استفاده مانده است، معرفی نمایند.

کلیدواژه‌ها: ابوالحسن نیشابوری، شکارنامه ملکشاهی

#### مقدمه

شواهد بسیاری بر این مدعا وجود دارد که انسان از روزگاران بسیار دور برای شکار و گاه محافظت از خود، خود را نیازمند اهلی کردن درندگانی همچون باز، یوز، سگ، عقاب، شاهین، چرخ، شنقر، سیاه‌گوش دانسته است. پس از پیدایش تمدن‌های بزرگ و رشد امپراتوری‌ها، پرورش حیوانات شکاری به صورت یک رسم اشرافی میان بزرگان باقی ماند. در این میان شکار با پرندگان به دلیل سرعت و قدرت آنان رواج بیشتری پیدا کرد و از آنجا که در میان پرندگان، «باز» در شکار کردن سریع‌تر و قدرتمندتر بود به پرورش تمام پرندگان از باب مجاز ذکر جزء و اراده کل «بازداری» اطلاق شد و به کتاب‌های پرورش و معالجه پرندگان شکاری «بازنامه» گفته شد. پس از مدتی از آنجا که شکار با باز نیاز به یک یا چند درنده دیگر مثل سگ و یوز و سیاه‌گوش داشت، تربیت و معالجه این جانوران نیز به بازنامه‌ها اضافه شد و پس از مدتی «بازنامه» مترادف «شکارنامه» شد. بنا بر این در زبان فارسی «بازنامه» با «شکارنامه»، «اشکره‌نامه»، «صیدنامه» و «جوارح‌نامه» مترادف است.

فن بازداری (= اشکره‌داری، جانورداری) با قدیم‌ترین اسطوره‌های ایرانی آمیخته شده است. در شاهنامه فردوسی و فارسنامه ابن بلخی پرورش «باز» به «طهمورث» منسوب شده است (فردوسی، ج ۱، ص ۲۷؛ ابن بلخی، ص ۲۸) و در شکارنامه ایلخانی آمده که اولین کتابی که در فن شکار و بازداری نوشته شده در زمان «جمشید»، شاه اسطوره‌ای بوده است. (حلوانی، ص ۲۲) همچنین شکارنامه خسروی (= ملکشاهی) ابتدای بازداری را در زمان «فریدون» می‌داند (نیشابوری، ص ۲۷).

در بعضی از متون قرار دادن باز بر نشیمن و یا بر دست چپ را آیین ملوک فارس دانسته‌اند (بازیار، ص ۲۹؛ کشاجم، ص ۶۱) و یکی از دعاهای موبد موبدان، در روز عید نوروز پیش ملک از زمان کیخسرو تا به روزگار یزدگرد، این بوده که «بازت گیرا و خجسته به شکار» (خیام، ص ۱۹). از جمع بندی این مستندات، تاریخ دقیقی که بتوان به عنوان آغاز بازداری و نوشتن کتب بازداری در ایران بدان استناد کرد، استنباط نمی‌شود اما معلوم می‌گردد که این فن در میان ایرانیان تا چه اندازه اهمیت داشته که با شخصیت‌های اسطوره‌ای آنان پیوند خورده است.

قدیم‌ترین سند تاریخی که از بازداری و تألیف کتابی در این باب به دست ما رسیده، مطالبی است که در شکارنامه خسروی (= ملکشاهی) آمده است. در «شکارنامه خسروی» آمده است که انوشیروان علاقه بسیاری به شکار داشت و از

همین رو بزرگمهر را مأمور کرد تا کتاب‌هایی را که پیش از او در بازداری به زبان‌های مختلف نوشته شده بودند گرد آورد و با نظرات استادان آمیخته کند و کتابی به زبان پهلوی تألیف کند و شکارنامهٔ انوشیروانی که مدت‌ها دستور کار میرشکاران بوده است، همان کتاب است (نیشابوری، ص ۲۸). بر اساس همین روایت باید بپذیریم که بازنامه‌های دیگری در آن زمان وجود داشته‌اند که این کتاب بر اساس آنها نوشته شده است. برای نمونه نسوی در تألیف بازنامهٔ خود به منبعی با عنوان «بازنامهٔ پرویز ملک پارسیان» اشاره کرده است (نسوی، ص ۱۲۷). اگر منظور از پرویز در این عبارت همان خسرو پرویز باشد پس حتماً بازنامه‌ای نیز وجود داشته که به او تقدیم شده بود (نیز نک: ناشناس، بی‌تا، گ ۱۶، که در آن به جمله‌ای از قول انوشیروان «در مدح باز و فضیلت آن» اشاره شده است).<sup>۱</sup> همچنین در بخش بازداری دوکتاب از مشهورترین آثار علمی دائرةالمعارفی، جامع العلوم ستینی نوشتهٔ فخرالدین رازی (ص ۳۴۷) و نفایس الفنون نوشتهٔ شمس‌الدین آملی (ج ۳، ص ۳۴۹) مطالبی از «بازنامهٔ کسری انوشیروان عادل» و «بازنامهٔ کسری» نقل شده است. در بازنامهٔ منسوب به بزرگمهر که بر اساس نسخهٔ کتابخانهٔ لندن تصحیح شده است از سه کتاب بازنامه منسوب به سوماخس، بهرام‌بن شاپور و خاقان اعظم ملک ترک نام برده شده است (بازنامهٔ نوشیروانی، ص ۱۲-۱۴). از میان این سه، حداقل انتساب کتابی در فن بازداری به بهرام بن شاپور که احتمالاً همان «بهرام گور» افسانه‌های ایرانی است قابل تأمل است. مهارت بهرام گور در شکار کردن در داستان‌های عربی و فارسی بسیار آمده است و او را اولین کسی دانسته‌اند که «یؤیؤ» - یکی از انواع پرنده‌های شکاری - را تربیت کرد. (نویری، ج ۱۰، ص ۱۹۹)

در کتاب‌های دیگری نیز می‌توان نشانه‌هایی از تعلق خاطر امپراتوران باستان به این فن جست. مسعودی در مروج الذهب بطلمیوس، از جانشینان اسکندر، را نخستین مربی باز دانسته است (ج ۱، ص ۲۲۷) و در همان بازنامهٔ منسوب به بزرگمهر به نقل از کتاب سوماخس آمده است که «اول کسی که با باز شکار کرد، ملکی بود یونانی که نامش دیمقریس/دیمطریس بوده است» (بازنامهٔ نوشیروانی، ص ۱۴). در بازنامه‌ای منظوم از سدهٔ نهم به آشنایی قیصر روم با جانوران و احوالات ایشان اشاره شده است (ناشناس، ۱۳۷۵، ص ۵۴۰۶) و نسوی خود می‌گوید که شکارنامهٔ رومیان را مطالعه

۱. کتابت این نسخه احتمالاً باید مربوط به پیش از سدهٔ ۱۰ ق باشد.

کرده است (نسوی، ص ۷۶)، همچنین مقاله اول کتاب التذکره فی علم البزدره با سخن حکمای روم آغاز می‌شود (شوشتری، ص ۱۴). مسعودی در این باره می‌گوید که قیصره روم و اکاسره فرس، جوارح به عنوان هدیه مبادله می‌کردند (مسعودی، ج ۱، ص ۱۴۷) و این همه نشان دهنده اهمیت شکار کردن و فنون وابسته به آن، به‌ویژه پرورش حیوانات وحشی است.

### شکارنامه نوشیروانی و تأثیر آن در شکارنامه‌های دوره اسلامی

در مقدمه شکارنامه خسروی (= ملکشاهی) عباراتی در چگونگی تألیف این کتاب آمده است. این عبارات در کنار برخی شواهد دیگر تأیید کننده مدعای تأثیر شکارنامه نوشیروانی بر شکارنامه‌های دوره اسلامی است.

در شکارنامه خسروی آمده است که شکارنامه نوشیروانی به دست ابوالفوارس عبدالملک بن نوح رسید و او وزیر خود را مأمور به ترجمه آن کرد. او علاوه بر ترجمه آن را با نظرات استادان آن زمان درآمیخت و بازنامه جدیدی تألیف کرد (نیشابوری، ص ۲۸).<sup>۱</sup> در همان شکار نامه خسروی آمده است که این ترجمه سپس به دست شاه خلف سیستانی می‌رسد و او با آمیخته کردن نظرات خود و استادان زمان کتابی دیگر بر اساس همان ترجمه تألیف کرده است که مدت‌ها دستور کار میرشکاران بوده است (همانجا). در ادامه این مقدمه و در ذکر چگونگی نگارش شکارنامه خسروی (نک: دنباله مقاله) نیز به تأثیر شکارنامه‌های قبلی، به ویژه شکارنامه نوشیروانی، در این اثر اشاره شده است (نیشابوری، همانجا).

در نسخه منحصر به فرد بازنامه‌ای که در سده ششم به دست ینال خیل‌تاش، بازدار سلطان محمد و سنجر سلجوقی، تألیف شده است از تألیف بازنامه‌ای در زمان محمود غزنوی خبر داده است. در آنجا آمده که سلطان محمود علاقه بسیاری به شکار داشت و روزی یکی از ندیمان‌ش او را از وجود بازنامه‌ای در خزانه خبر می‌دهد. او نیز وزیرش را مأمور تألیف بازنامه‌ای براساس آن بازنامه که در خزانه بوده می‌کند (ینال خیل‌تاش، گ ۲). با توجه به قراین و شواهد به احتمال قوی آن بازنامه که در خزانه سلطان محمود بوده، نسخه‌ای از ترجمه شکارنامه نوشیروانی یا شکارنامه سامانی

---

۱. شاید آنچه تقی‌بنش با عنوان شکارنامه نوشیروانی تصحیح کرده و با مقدمه ایرج افشار منتشر کرده است همین ترجمه باشد یا به طور مستقیم یا غیر مستقیم به این ترجمه بازگردد (نک: منابع، بازنامه نوشیروانی).

شکارنامهٔ ملکشاهی و اهمیت آن در تدوین تاریخ علم/ ۱۲۷

(نسوی، ص ۷۶) بوده است. ینال خیلناش خود نیز در تألیف بازنامه‌ای که به سلطان سنجر تقدیم کرده است از شکارنامهٔ نوشیروانی استفاده کرده است.

ادامهٔ این سنت را بر اساس همین منابع در آثار بعدی نوشته شده می‌توان پی گرفت. شکارنامهٔ ایلخانی نوشتهٔ علی بن منصور حلوانی/حلوایی/خوافی و صید المراد فی قوانین الصیاد نوشتهٔ خدایار خان عباسی که در سده‌های بعد نوشته شده‌اند از این نمونه هستند. این مورد اخیر را می‌توان آخرین شکارنامهٔ منثوری دانست که متأثر از ترجمهٔ شکارنامهٔ نوشیروانی تألیف شده است. در سدهٔ ۹ ق بازنامهٔ منظومی در زمان حکومت بایسنقر تیموری نوشته شده است که با اشاره به برخی شواهد، از جمله اشارهٔ ناظم به نام امیر احمد سامانی (ز سامانیان میر احمد نگر/که او بوده در هر فنی نامور)، می‌توان ادعا کرد که این نمونه ادامهٔ همان سنت است.

به هر حال سنت نوشتن شکارنامه‌ها/بازنامه‌ها در ایران به پایان نرسید و تا دوره‌های متأخر ادامه داشت لکن پس از بازنامهٔ منظوم بایسنقری و به ویژه در بازنامه‌های متأخر اصطلاحات و روش‌ها آن چنان متفاوت می‌شود که نمی‌توان آنها را در زمرهٔ سنت پیشین و متأثر از منابع قدیمی دانست.

#### شواهد تألیف شکارنامه‌ای در دورهٔ ملکشاه

اگر مدعای پیش گفتهٔ علاقهٔ ملکشاه را به شکار دلیلی برای علاقهٔ او به نوشته شدن کتابی در شکار برای او بدانیم، مستندات تاریخی وجود دارد که نشان می‌دهند چنین کتابی برای او نوشته شده و به او تقدیم شده است. راوندی در راحة الصدور (ص ۱۳۱) آورده که به خط ابوطاهر خاتونی شکارنامهٔ او [ملکشاه] را دیده است و علی بن منصور حلوانی در مقدمهٔ شکارنامهٔ ایلخانی می‌گوید که اصل کتاب همان «صیدنامهٔ ملکشاهی» است و او تجربیات خود را به انضمام چند باب اضافه کرده و شکارنامهٔ ایلخانی را تألیف کرده است. به غیر از این دو سند که نام شکارنامهٔ ملکشاهی در آنها آمده است، در دو منبع دیگر، سلجوق‌نامه (ظهیرالدین نیشابوری، ص ۳۲) و جامع التواریخ (همدانی، ص ۳۵) همان مطالب راحة الصدور با حذف نام کتاب آمده است. در مجمع الأنساب (شبانکاره‌ای، ج ۲، ص ۱۰۴) نیز همین مطالب مجدداً تکرار شده است و علاوه بر نام کتاب، نام ابوطاهر خاتونی نیز حذف شده است.

جدول ۱. مقایسه مطالب راحة الصدور، سلجوق‌نامه، جامع التواریخ و مجمع الأنساب

مجمع الأنساب	جامع التواریخ	سلجوق‌نامه	راحة الصدور
و سلطان ملكشاه را شكار بغایت دوست بودی و روزی در شكار هفتاد آهو را با تیر زده بود و قاعده او آن بود که به هر شکاری که بزدی دیناری مغربی به درویشی دادی و به هر موضع از عراق و خراسان مناره‌ها فرموده است از سم آهو و گور و در ماوراء النهر و ترکستان و مشرق و مغرب و روم و آن طرف هر جا شکارگاهی است اثری و یادگاری گذاشته است.	و بغایت شكار دوست بود. به خط ابوطاهر خاتونی [شکارنامه او دیدم] آورده بود که یک روز هفتاد آهو به تیر زده بود و قاعده او چنان بود که به هر شکاری که بزدی صدقه دادی به درویشان یک دینار مغربی به درویشان به صدقه دادی و به هر موضعی و زمینی و شکارگاهی در عراق و خراسان مناره‌ها فرموده بود و آن طرف هر جا شکارگاهی است اثری و یادگاری گذاشته است.	و بغایت شكار دوست بود. بخط ابوطاهر خاتونی دیدم که یک روز هفتاد آهو در صیدگاه به تیر زده بود و رسم او چنان بود که به هر نخجیری که بزدی یک دینار مغربی به صدقه دادی به درویشان و به هر موضعی و زمینی و شکارگاهی در عراق و خراسان مناره‌ها از سم آهو و خرگور فرموده بود ساختن و همچنین به ولایت ماوراء النهر و بادیه عرب و (مرح) و خوزستان هم بدین قرار و به اصفهان و آن نواحی هرجای که شکارگاهی یافت آثاری گذاشته بود و تا غایت وقت باقی مانده.	و سلطان از لهو و تماشا شكار دوست داشتی و بخط ابوطاهر خاتونی شکارنامه او دیدم. آورده بود که سلطان یکروز هفتاد آهو به تیر بزده و قاعده او چنان بود که به هر شکاری که بزدی دیناری مغربی به درویش دادی و به هر شکارگاهی از عراق و خراسان مناره‌ها فرموده است از سم آهو و گور و به ولایت ماوراء النهر و بادیه عرب و به مرج و خوزستان و ولایت اصفهان هرجا که شكار فراوان یافته است آثاری گذاشته است.

تحقیقات معاصران در باب شکارنامه ملكشاهی

بیشتر اشارات محققان معاصر در این باره بر اساس همین اسناد گفته شده است و ایشان یا عبارات این اسناد را گزارش کرده‌اند یا بر این اساس وجود چنین اثری را پذیرفته‌اند. مینوی در مقاله‌ای با عنوان «از خزاین ترکیه» در معرفی مجموعه ۲۹۱۰ کتابخانه ایاصوفیه، که از آن برای گنجینه نسخه‌های دانشگاه تهران عکس گرفته

شکارنامهٔ ملکشاهی و اهمیت آن در تدوین تاریخ علم/ ۱۲۹

است، از نسخه‌ای به نام تحفة الملوك من تصنیف الشیخ حجة الاسلام ابی حامد محمد بن محمد بن غزالی یاد کرده است. او در عبارتی که به عنوان باب نهم رساله افزوده است می‌گوید که برای ملکشاه صیدنامه‌هایی نوشته شده اما به منبع این ادعا اشاره نکرده است. او می‌نویسد:

باب نهم که در صید است نشان علاقهٔ کثیر شاهان سلجوقی به شکار است؛ چنانکه ملکشاه بیشتر وقت را در نخجیر کردن می‌گذرانید و از برای او یکی دو صیدنامه نوشته‌اند (مینوی، ص ۱۱)

این رساله را محمد تقی دانش پژوه تصحیح کرده و در جستارهای ادبی منتشر کرده است.

پرویز اذکایی در تحقیقی در بارهٔ بازنامه‌ها و شکارنامه‌ها با اشاره به همین منابع وجود چنین کتابی را پذیرفته است (ص ۴۰). ایرج افشار نیز در مقدمهٔ عالمانه‌ای که بر بازنامهٔ منظوم قرن نهم نوشته است با استناد به مقدمهٔ صیدالمراد تنها به شکارنامهٔ ملکشاهی اشاره می‌کند. به این ترتیب به نظر می‌رسد که شاید افشار نسخه‌ای از این رساله نمی‌شناخته است. مولوی در مقالهٔ «بازنامه» در دائرةالمعارف بزرگ اسلامی (ج ۱۱، ص ۱۶۵) از شکارنامهٔ ملکشاهی به قلم محمد بن قلیچق نظامی، باز هم به نقل از مؤلف صیدالمراد، نام می‌برد اما نشانهٔ نسخه‌ای از آن را نمی‌دهد. سعید نفیسی در کتاب تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی می‌نویسد: «کتاب دیگری که در همین قرن (قرن پنجم) تألیف شده است، شکارنامهٔ خسروی است» (ج ۱، ص ۷۱). او سپس به تفصیل و توضیح در بارهٔ دیباچهٔ شکارنامهٔ خسروی سخن گفته و نویسندهٔ آن را ابوالجوارح علی بن محمد نیشابوری معرفی کرده است و می‌افزاید که نسخهٔ آن در دست است (همانجا). هر چند نفیسی نشانی هیچ نسخه‌ای را نداده است اما از تفصیل او در معرفی کتاب می‌توان حدس زد که خودش نسخه‌ای از این کتاب را در دست داشته است (نیز نک: منزوی، ذیل عنوان).

جامع‌ترین تحقیقی را که تا کنون در بارهٔ این کتاب انجام شده، حسن تاجبخش نوشته است. او این کتاب را با آوردن تمامی منابع پیش گفته و ذکر کامل اشارات نفیسی و نشانی نسخه‌هایی از آن در تاریخ دامپزشکی معرفی کرده است.

### زمان تألیف شکارنامه خسروی و مؤلف آن

در مقدمه کتاب آمده است که ملکشاه سلجوقی به شکار بسیار علاقه‌مند بوده است و پیوسته در مجلس او بازنامه‌ها و شکارنامه‌ها می‌خواندند و بحث‌های جانورداری می‌کردند و ملکشاه بیشتر اوقات خود را به شکار می‌پرداخت. به همین خاطر خواجه نظام الملک را مأمور به گردآوری شکارنامه‌ها و بازنامه‌های نوشته شده تا عصر خود- با تکیه بر شکارنامه نوشیروانی- می‌کند و دستور می‌دهد استادانی را که در آن زمان مشهور بوده‌اند نیز گرد هم آورد تا کتاب جدیدی در این باره بر اساس اسناد موجود و تجربه استادان فراهم آید. خواجه نظام الملک استادان را جمع می‌کند و با انجام آزمون‌هایی خواجه ابوالحسن علی بن محمد نیشابوری را از همه ماهرتر می‌یابد و او را مأمور تألیف شکارنامه می‌کند (نیشابوری، صص ۲۹-۳۱). بنا بر این کتاب می‌باید در فاصله سال‌های حکومت ملکشاه ۴۶۵-۴۸۵ ق نوشته شده باشد اما تاریخی در ذکر نام یکی از پرندگان در کتاب وجود دارد که می‌توان بر اساس آن نتیجه گرفت که کتابت کتاب پس از مرگ ملکشاه به پایان رسیده است یا آنکه مطالبی بعداً به کتاب افزوده شده است. آن عبارت چنین است:

او را (منظور مرغی به نام طغرل) پادشاه شکرگان دانند و او بغایت چابک و تیزگوش بود و او را از چین و ختای آرند و خوارزم شاه در سال چهارصد و نود یکی از این جهت امیر اسمعیل بن احمد از خوارزم فرستاد (نیشابوری، ص ۱۱۷).

به هر صورت همه اسناد موجود نشان می‌دهند که این کتاب در دهه‌های پایانی سده پنجم هجری نوشته شده است و مؤلف آن ابوالجوارح خواجه ابوالحسن علی بن محمد نیشابوری بوده است. به این دلیل باید سبک نگارش کتاب را نیز بیفزاییم که بسیار مشابه کتاب‌های نوشته شده در دوره اول فارسی نویسی، پیش از حمله مغول، است.

### نسخه‌های خطی شکارنامه خسروی در کتابخانه‌های ایران

#### نسخه کتابخانه آیت‌الله گلپایگانی

در فهرست نسخه‌های خطی این کتابخانه نسخه شماره ۶۲۵۶-۳۱/۱۳۶ با عنوان شکارنامه ایلخانی معرفی شده است. بررسی دیباچه و ساختار این نسخه نشان می‌دهد که این نسخه شکارنامه ایلخانی نیست و شکارنامه خسروی است (نیز نک: درایتی،



شکارنامهٔ ملکشاهی و اهمیت آن در تدوین تاریخ علم/۱۳۱

۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ که در هر دو به پیروی از فهرست کتابخانهٔ آیت‌الله گلپایگانی این نسخه را به اشتباه همان شکارنامهٔ ایلخانی نوشته است).

#### نسخهٔ کتابخانهٔ مجلس

در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس، جلد ۳۶، نسخهٔ شمارهٔ ۱۲۶۴۶ با عنوان شکارنامهٔ ایلخانی معرفی شده است (نیز نک: درایتی، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ و باوی، ۱۳۸۲ که این اشتباه را تکرار کرده‌اند) اما در این باره نیز بررسی نشان می‌دهد که این نسخه نیز شکارنامهٔ خسروی است.

#### نسخهٔ کتابخانهٔ آستان قدس

این نسخه در فهرست نویسی به سرنوشتی بدتر از نسخه‌های سابق الذکر دچار شده است و در فهرست با شمارهٔ ۲۴۲۹۷/۲ این طور معرفی شده است: «رساله‌ای است ایضاً به فارسی موسوم به «شکارنامه» که آن را مطابق مسطورات بی‌اساس مقدمهٔ آن ابتدا بزرجمهر به دستور انوشروان به زبان پهلوی ترجمه کرد (نمی‌گوید از چه زبانی) و بعد از او وزیر...» و بعد به بررسی مطالبی که در مقدمه آمده پرداخته است. آنچه در بارهٔ این نسخه و توضیح اشتباهی که در فهرست در بارهٔ آن آمده است قابل تأمل است، آن است که این نسخه تنها نسخهٔ کامل از شکارنامهٔ خسروی (=ملکشاهی) است که تاکنون پیدا شده است. ویژگی مهم دیگر این نسخه توضیحاتی است که در هامش آن آمده است و این توضیحات از مهم‌ترین منابع شرح لغات و اصطلاحات و نوادر لغات بازاری است که از فرهنگ‌ها فوت شده‌اند.

برای پاسخ دادن به این پرسش که چرا نسخه‌های شکارنامهٔ خسروی این طور فهرست شده‌اند باید این سه نسخه را به دو دستهٔ آنها که با عنوان شکارنامهٔ ایلخانی معرفی شده‌اند (نسخه‌های کتابخانهٔ آیت‌الله گلپایگانی و کتابخانهٔ مجلس) و آنکه با عنوان مطلق «شکارنامه» معرفی شده است (نسخهٔ کتابخانهٔ آستان قدس) تقسیم کنیم. در دو نسخهٔ اول دلیل اصلی اشتباه آن است که در واقع شکارنامهٔ ایلخانی که علی بن منصور حلوانی آن را در سدهٔ هشتم نوشته است بخش بسیاری از متن شکارنامهٔ خسروی را در خود جای داده است. البته حلوانی گاه واژه‌های مورد استفاده را به ضرورت زمان تغییر داده است اما ساختار کلی کتاب شکارنامهٔ خسروی و حتی متن آن در بیشتر جاها دست نخورده باقی مانده است. از این رو می‌توانیم ادعا کنیم که

حلوانی در سده هشتم، یعنی حدود ۲ قرن پس از نوشته شدن شکارنامه خسروی، نسخه یا نسخه‌هایی از آن را در اختیار داشته است.

اما در نسخه آستان قدس دلیل اصلی اشتباه در فهرست‌نویسی را باید کم‌اطلاعی فهرست‌نویس از وجود چنین اثری و دیباچه آن بدانیم. البته ممکن است که واژه «خسروی» یا «ملکشاهی» به دلایل مختلفی چون قدمت نسخه و یا اشتباه کاتب از دنباله نام کتاب افتاده باشد و این گاه کار شناسایی نسخه را دشوارتر می‌کند.

### ساختار شکارنامه خسروی

این رساله مشتمل بر یک مقدمه و دو باب است. در مقدمه آن گزارشی از شکارنامه‌های قدیمی‌تر آمده است و همان طور که پیش‌تر بدان اشاره شد، دلیل نگارش این کتاب توضیح داده شده است. از این نظر این کتاب برای بررسی تاریخی سنت شکارنامه/بازنامه نویسی، از منظر تاریخ علم جانورشناسی و ادبیات، بسیار حائز اهمیت است. در این مقدمه علاوه بر داستان نگارش خود کتاب روایات مرتبط با نگارش چهار شکارنامه/بازنامه دیگر نیز آمده است: شکارنامه انوشیروانی، بازنامه شاه خلف سیستانی، بازنامه شهنشاه ابوالفوارس عبدالملک بن نوح و بازنامه شهنشاه ملک خراسان. همچنین مؤلف به نام برخی از بازداران مشهور عهد سلجوقی نیز اشاره کرده است: دهقان شکنی (سکنی)، دهقان باتگینی، ابوالفرج بازدار، بوملک سهیل، ابوالعباس بن ابی فضل، عبدالله بن خالد، میرانشاه، خاص بک رومی، خواجه زکی اصفهانی (عراقی)، اسمعیل ینال، سربال هندی، تالش ترک، برزگری بازدار.

باب دوم به تربیت و معالجه مرغان اختصاص دارد و باب سوم در تربیت و معالجه درندگان شکارگر است. گستردگی نام جانوران و ادویه و خوراک ایشان در این کتاب بسیار قابل توجه است. در ادامه سیاهه این نام‌ها آمده است.

### نام‌های جانوران

آهو، آهوبره، اسب، اشتر، باز، باشق/باشه، بحری، بره، بز، بزغاله سرخ، بنسیجک، بنگرد، بوتیمار، پرستوک، پلنگ، پیغوی، تدره، تیهو، جاغرق، جرد، جردل، جغد، جوژه، جولاهک، چرغ، چولی، خارپشت، خرسیاه، خر، خرپلنگ، خرگوش، خروس سفید، خروس، خشین‌سار، خوک، دوربنج، دیوچه، روباه، زاغ، زنبورسرخ، ژافتوک، سبشه، سرخاب، سگ، سیاه‌گوش، شاهین، شتراروانه، شیر، طغرل، عقاب، عکه، غاز، غوک، فاخته، فراستوک کوهی، فراشنوک/فرشتوک، قاز، قو، کبک، کبوتر برجی،

شکارنامهٔ ملکشاهی و اهمیت آن در تدوین تاریخ علم/ ۱۳۳

کبوتر، کحک (?)، کرک/گرگ (?)، کرکس، کرم، کلاغ پیسه، کلاغ، کلنگ، کورده، گاو، گاودشتی، گاوسپاه، گراگرو، گنجشک ستوراخ، گنجشک، گورخر، گوزن، گوسفند میش، گوسفند، لک لک، مار، ماکیان سیاه، ماکیان، ماهی، مرغ خانگی، مرغابی، مورچه، موسیچه، موش خانگی، موش خرد، میش، نخجیر، هدهد، یوز.

#### نام‌های ادویه و خوراک و گیاهان

اپیشن، اسپندان سپید، استارم، استخوان زیتون، استه خرما، افیون، انار شیرین، انگبین سفید، انگبین گداخته، انگبین، انیسون، آب انار ترش و شیرین، آب بادیان، آب برگ مورد، آب بلاد، آب بید، آب ترب، آب خیار، آب رازیانه، آب ریواج، آب زرشک، آب زیره، آب سداب، آب شلغم، آب شیرگرم، آب گشنیز، آب مویزه، آب نیلوفر، آبی شیرین، آلو، بابونه، اسفند، بادروج، برنج کابلی، برنگ کابلی، بزرالنج، بنفشه، بوره ارمنی، بوره، بوستان افروز، بیخ سوسن، بیخ شونیز، پانید سفید، پانید، پلپل سیاه، پلپل، پنبه، پوست خشخاش، پوست مار، پوست موشک خرد، پیه خرگوش، پیه خروس، پیه گرده گوسفند، تبری، تخم کرفس، تخم بادیان، تخم بنک، تخم تاک، تخم جو، تخم دیو اسپست، تخم رازیانه، تخم کدو، تخم کدوی تلخ، تخم کدوی سوخته، تخم کندنا، تخم گنجشک، تخم معصفر، ترب، تربد، ترنجبین، تنوری نبات، تودری زرد، تودری سفید، تودری سرخ، جاوشیر، جگر بز ماده، جگر بزغاله، جگر ماکیان سیاه، جگربره، جوز بویا، جوز سوخته، جوز هندی، جوز، جولاهک، خارپشت، خاک چهارراه، خاک شور، خاکستر چوب رز، خزمیان، خسک، خشین سار، خون کبوتر کهن، خون کبوتر گرم، خون کبوتر، خون گوسفند میش، خون ماکیان سیاه، خون موش خانگی، خون هدهد، داخلون، دارچینی، دارفلفل، دارمشک، دانه چلغوزه، دود آسمانه خانه، رازیانه، روغن بادام تلخ و شیرین، روغن بادام، روغن بسته، روغن بنفشه، روغن بیدانجیر، روغن جوز هندی، روغن جوز، روغن دیوشنه، روغن زردآلو دانه تلخ، روغن زیت، روغن زیتون، روغن سفید، روغن سوسن، روغن شفتالودانه، روغن شیربخت، روغن فندق، روغن کنجد سفید، روغن گاو کهن، روغن گاو، روغن گاوخوش، روغن گل، روغن نرگس، روغن نطف سفید، روغن نطف سیاه، روغن نیلوفر، روغن یاسمین، ریوند چینی، ریوند، زرده تخم مرغ، زرنیخ سرخ، زرنیخ فارسی، زعفران شاخ، زعفران، زفت بغدادی، زنبور سرخ، زنبوره بابر، زنجبیل چینی، زنگار، زنگاره، زهره بز، زهره خروس سفید، زهره گاو،

زهره، زیره سوده، سپرز بزغاله سرخ، سپندان سفید، سپندان کنده، سپیده خایه مرغ، ستارم، سداب خشک، سداب، سرخی، سرکل، سرکه ترش، سرکه تیز، سرکه، سُعد، سفیده خایه مرغ، سک پستان، سگ، سماروغ، سنگ سورمه خوارزمی، سنبل، سنگ وریژ، سنگدان ماکیان سیاه، سوخته جرجانی، سورمه، سوسن افشوده، سیکی، شاخ‌های مورد، شانه کهن، شاه اسپرغم، شاهدانه، شحم حنظل، شراب کهنه، شراب، شش بره، شش روباه، شش گرگ، شش گوسفند، شکر طبرزد، شکر، شکم غوک، شنجار سفید، شنگرف رومی، شونیز، شهد، شهدانه، شیرخر، شیرخشت، صبر، صعتر، صمغ بلاد، صمغ عربی، صندل سرخ، صندل سفید، صندل، طاق، طباشیر، طبرزد، عاقرقراها (حا)، عسل سفید، علك رومی، علك، عود خام قماری، عود قماری، عود، غالیه سیاه، غالیه مشکین، فانید، فراشوک، فریژ، فریژک، فلفل سفید، فلفل، فلونیا، فندق، قرنفل، قسط شیرین، قطن شیطان، قلنفر، قنبیل، قند گداخته، کافور تسوی، کافور ریاحی، کافور، کبر خام، کتیرا، کتیراء زرد، کدو، کرفج، کرفس کوهی، کرفس، کف آبگینه، کفک دریا، کل مهره، کلوخ آفتاب سوخته، کلوخ سوخته، کمیز پسر شیرخواره، کمیز سگ، کمیز شتر اوانه یا ماده، کمیز کودک شیرخواره، کندر، کندش، کوکنار دشتی، کیله داش، گز، گل ارمنی، گل انار سوده، گل بنفشه، گل خشک، گل سرخ، گل گاوزبان، گلاب، گلابی که بوی سوخته کند، گلنار، گندم، گوشت آهوی تازه، گوشت بز، گوشت تیهو، گوشت جغد، گوشت خارپشت، گوشت خرگوش، گوشت خوک، گوشت سرخ، گوشت سگ، گوشت فاخته، گوشت کبک، گوشت کبوتر، گوشت کورده، گوشت گاو، گوشت گنجشک، گوشت گوسفند، گوشت ماکیان سیاه، گوشت موسیچه، گوشت موش، گوشت موشک خرد، گوشت میش گیاه‌خوار، گوشت میش، گوگرد، لوبیای سفید، مازوی سوده، مامیران چینی، مامیران، محلوج، مرداسنگ، مرزنگوش‌تر، مروارید ریزه، مسکه، مشک تسوی، مشک خالص، مشک هندی، مشک، مغز پنبه دانه، مغز تخم کدو، مغز جوز، مغز سر جغد، مغز گاو، مغز معصفر، مورچه، موشک، موم صافی، مومیائی، موهای خرد زیر دم خر، مویزه کوهی، مویزه، می پخته، می سوسن، ناخن گاو دشتی، نبید خام، نخود سفید خام، نطف، نمک درشت، نمک سندی، نمک کشتی سفید، نمک کشتی، نمک مندو، نمک نیستی (منیتی)، نمک هندی، نمک، نوشادر سفید، نوشادر، نوشادرکافی، نیل، ورس (ورث)، وریژ، هرنوتی، هزاردرمان، هزارسفنند، هلیله زرد، هلیله، یخ.

### نتیجه

یافته‌های این پژوهش نگارش شکارنامه‌ای را ادامهٔ سنت شکارنامه/بازنامه نویسی در سدهٔ پنجم هجری تأیید می‌کنند. همچنین بر اساس دلایل عرضه شده می‌توان زمان حدودی نگارش این اثر را به دست داد و در بارهٔ مؤلف آن با قطعیت سخن گفت. قرار گرفتن این شکارنامه در میان سنت کهن‌تر نگارش این آثار و کتاب‌های مشهورتر بعدی موجب آن است که تصحیح و بررسی آن یکی از منابع مهم حوزهٔ علوم جانوری را در میان مسلمانان آشکار سازد. اینکه این کتاب به زبان فارسی نوشته شده است نیز بر اهمیت بررسی آن می‌افزاید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

### منابع

- آملی، شمس الدین، نفایس الفنون فی عرائس العیون، تصحیح ابوالحسن شعرانی، انتشارات اسلامیة، تهران، ۱۳۸۱ش.
- ابن بلخی، فارسنامه، تصحیح گای لسترنج و رینولد الن نیکلسون، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۸۵ش.
- اذکایی، پرویز، «باز و بازنامه‌های فارسی»، هنر و مردم، تیر و مرداد ۱۳۵۶، شماره ۱۷۷-۱۷۸، صص ۳۷-۴۵.
- بازنامه، نسخه خطی شماره ۸۱۱ مجموعه کارومیناسیان کتابخانه دانشگاه کالیفرنیا (ucla).
- بازنامه منظوم، تصحیح رضا تقفی و ایرج افشار، مندرج در نامواره محمود افشار، جلد نهم، بنیاد موقوفات ایرج افشار، صص ۵۳۹۴-۵۴۳۳، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۵ش.
- بازنامه فیروزشاهی، نسخه خطی شماره ۶۳۳۰۴۴ کتابخانه ملی.
- بازیار، حسن بن حسین، البیزره، تصحیح محمد کردعلی، دارصادر، چاپ دوم، بیروت، ۱۹۹۵م.
- باوی، سعید، فهرست نسخ طبی خطی موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی و طب اسلامی و مکمل، تهران، ۱۳۸۲ش.
- بازنامه بایسنقری، نسخه خطی شماره ۳۰۰ کتابخانه مرکزی اراک، مجموعه ابراهیم دهگان.
- بازنامه نوشیروانی (منسوب به بزرگمهر)، به کوشش تقی بینش، مندرج در فرهنگ ایران زمین، جلد سی‌ام، انتشارات سخن، صص ۳-۱۱۱.
- تاجبخش، حسن، تاریخ دامپزشکی و پزشکی ایران، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۵ش.
- حسام الدوله تیمور بن حسنعلی، بازنامه ناصری، تصحیح هییت الله ملکی، کتابخانه ملی با همکاری بنیاد فارس شناسی، تهران، ۱۳۹۰ش.
- حلوانی، علی بن منصور، شکارنامه ایلخانی، نسخه خطی شماره ۳۰۳۷ کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- خدایار خان بن داوود، صیدالمراد فی قوانین الصیاد، کلکته، ۱۹۰۸م.
- درایتی، مصطفی، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۹۰ش.
- \_\_\_\_\_، فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران (دنا)، انتشارات کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۹ش.
- رازی، فخرالدین، جامع العلوم ستینی، تصحیح سید علی آل‌داوود، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، تهران، ۱۳۸۲ش.
- راوندی، محمد بن علی، راحة الصدور و آية السرور، تصحیح محمد اقبال، نشر علمی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۳ش.

شکارنامه ملکشاهی و اهمیت آن در تدوین تاریخ علم/ ۱۳۷

شبانکاره‌ای، محمدبن علی، مجمع الأنساب، تصحیح هاشم محدث، نشر امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۱ش.

شوشتری، علی بن زاهد، التذکره فی علم البزدره، نسخه خطی شماره ۵۴۶ کتابخانه ملک، ۱۲۶۸ق.

صدرایی خویی، علی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی آیت الله گلپایگانی قم، به کوشش و ویرایش مصطفی درایتی، انتشارات مرکز پژوهش کتابخانه و موزه و مرکز اسناد مجلس، تهران، ۱۳۸۸ش.

\_\_\_\_\_، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج ۳۶، با نظارت عبدالحسین حائری، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۷ش.

ظهیرالدین نیشابوری، سلجوق‌نامه، تهران، ۱۳۳۲ش.

عرفانیان، غلامعلی، فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی: علوم و فنون پزشکی، انتشارات کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۸۰ش.

فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، تصحیح محمد دبیرسیاقی، انتشارات قطره، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۶ش.

کشاجم، ابی‌الفتح محمود، المصاید و المطارد، تحقیق محمد اسعد طلس، دارالمعرفه، بغداد، ۱۹۵۴م.

مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق کمال حسن مرعی، مکتبه العصریة، چاپ اول، بیروت، ۱۴۲۵ق.

منزوی، احمد، فهرستواره کتاب‌های فارسی، مرکز نشر دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۲ش.

مولوی، محمدعلی، «بازنامه»، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۱، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، نشر مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۱ش.

مینوی، مجتبی، «از خزاین ترکیه»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال هشتم، شماره سوم، ۱۳۴۰ش، صص ۱-۲۹.

نسوی، علی بن احمد، بازنامه، به کوشش علی غروی، انتشارات وزارت فرهنگ، تهران، ۱۳۵۴ش.

نفسی، سعید، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، تهران، ۱۳۶۳ش.

نویری، احمد بن عبدالوهاب، نهاية الأرب فی فنون الأدب، قاهره، ۱۹۳۳م.

نیشابوری، ابوالحسن علی بن محمد، شکارنامه خسروی، نسخه خطی شماره ۲۴۲۹۸ کتابخانه آستان قدس رضوی.

۱۳۸ / تاریخ علم، دوره ۱۱، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۲

همدانی، رشیدالدین فضل الله، جامع التواریخ، تصحیح محمد روشن، نشر میراث مکتوب،  
تهران، ۱۳۸۶ ش.  
ینال خیلناش، بازنامه، نسخه خطی شماره ۸۰۹۳ کتابخانه آیت الله مرعشی.

